

The Representation of Iranian History in Fifth-Grade (1962 Edition) and Sixth-Grade (1966 Edition) History Textbooks during the Mohammad Reza Shah Pahlavi Era: A Critical Analysis Based on Ruth Wodak's Theory

Emam'ali Sha'bani¹, Peyman Mohammadi², Mehdi Zamani³

Abstract

the present study aims to present a critical analysis of the discourse in fifth-grade (1962 edition) and sixth-grade (1966 edition) history textbooks during the Mohammad Reza Shah Pahlavi era. The theoretical framework of this research includes Ruth Wodak's 'Discourse-Historical Approach,' which, by emphasizing the discursive dimensions of power, ideology, collective memory, and historical representation, examines the processes of legitimation, exclusion, and identity formation in official educational texts. In this study, the fifth and sixth-grade history textbooks were analyzed as the primary discursive sources of the educational system during the Mohammad Reza Shah Pahlavi era. The findings indicate that the educational system of this period employed strategies such as mythologizing ancient kings, eliminating and disparaging the Qajar era, heroizing the Pahlavi dynasty, and emphasizing concepts like "Iranian civilization,"

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding Author). e.shabani@umz.ac.ir

2. MA Graduate in History, University of Arak, Arak, Iran. peymanm874@gmail.com

3. PhD Graduate in Iranian History, Expert Researcher at the Center for Economic and Political Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. mehdizamani12@gmail.com

Received: June 4, 2025 - Accepted: November 1, 2025



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

"national authority," and "state modernity" to produce a historical memory that served to consolidate the political and cultural legitimacy of the Pahlavi monarchy. From the perspective of Wodak's theory, this process utilized tools such as value-laden vocabulary, one-sided narratives, intertextual repetition, and emotional imagery to shape the dominant historical discourse. This article seeks to provide a basis for analyzing the politics of memory and ideological history education through a critical rereading of these texts.

Keywords: Critical Historical Discourse Analysis, History Textbook, Pahlavi Ideology, Qajar Antagonism, Iranian Nationalism, Political Legitimacy.



مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
فصلنامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال هفدهم، شماره‌ی شصت و چهارم، تابستان ۱۴۰۴، صص ۲۴-۱

بازنمایی تاریخ ایران در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ششم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۵) در دوره محمدرضا شاه پهلوی: تحلیلی انتقادی بر مبنای نظریه روث وداک

امامعلی شعبانی^۱، پیمان محمدی^۲، مهدی زمانی^۳

چکیده

مطالعه حاضر با هدف تحلیل انتقادی گفتمان کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ششم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۵) در دوره محمدرضا شاه پهلوی انجام شده است. چهارچوب نظری این پژوهش نظریه «تحلیل گفتمان تاریخی» روث وداک است که با تأکید بر ابعاد گفتمانی قدرت، ایدئولوژی، حافظه جمعی و بازنمایی تاریخی، به واکاوی فرایندهای مشروعیت‌بخشی، طرد و هویت‌سازی در متون رسمی آموزشی می‌پردازد. در این مطالعه، کتاب‌های تاریخ پنجم و ششم ابتدایی منابع اصلی گفتمانی نظام آموزشی دوره محمدرضا شاه پهلوی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزشی این دوره، با به‌کارگیری استراتژی‌هایی چون اسطوره‌سازی از شاهان باستان، حذف و تحقیر دوره قاجار،

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول). e.shabani@umz.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران. peymanm874@gmail.com

۳. دکتری تاریخ ایران، کارشناس پژوهشگر مرکز مطالعات اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. mehdizamani12@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

قهرمان‌سازی از خاندان پهلوی و برجسته‌سازی مفاهیمی چون «تمدن ایرانی»، «اقتدار ملی» و «مدرنیته دولتی» به تولید حافظه‌ای تاریخی اقدام کرده که در خدمت تثبیت مشروعیت سیاسی و فرهنگی سلطنت پهلوی بوده است. از منظر نظریه وُداک، این فرایند با استفاده از ابزارهایی مانند واژگان ارزشی، روایت‌های تک‌سویه، تکرار بینامتنی و تصویرسازی عاطفی در راستای شکل‌دهی به گفتمان غالب تاریخی صورت گرفته است. مقاله حاضر می‌کوشد با بازخوانی انتقادی این متون، زمینه‌ای برای تحلیل سیاست حافظه و آموزش ایدئولوژیک تاریخ فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان تاریخی، کتاب درسی تاریخ، ایدئولوژی پهلوی، قاجارستیزی، ناسیونالیسم ایرانی، مشروعیت سیاسی.

۱. مقدمه

کتاب‌های درسی، به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز، از جمله مؤثرترین ابزارهای تولید و بازتولید گفتمان‌های رسمی هستند. در ایران دوره محمدرضا شاه پهلوی، ساختار آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شده بود که متون درسی، به‌ویژه کتاب‌های تاریخ، نه تنها اطلاعات تاریخی را منتقل، بلکه در راستای تثبیت ایدئولوژی حاکم نیز عمل کنند و هویت ملی و دینی مطابق با شاخصه‌های سیاسی به دانش‌آموزان القا شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۰۰). این رویکرد، با تکیه بر اقتدار سیاسی دولت، موجب شد تا کتاب‌های درسی به مهم‌ترین ابزارهای بازنمایی تاریخ رسمی، خلق حافظه جمعی یک‌سویه و تحکیم مشروعیت سلطنت پهلوی بدل شوند (مجیدی، ۱۳۶۴: ۷۷).

از منظر تحلیل انتقادی گفتمان، به‌ویژه در رویکرد تاریخی آن که روث وُداک بنیان نهاده است، متون آموزشی بستری برای اعمال قدرت ایدئولوژیک‌اند (Wodak & Reisigl, 2001: 104-107). در این نظریه، تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل زبان به‌مثابه ساختار، به تحلیل زبان در مقام عمل اجتماعی می‌پردازد؛ عملی که در دل تاریخ، سیاست و ساختارهای نهادی معنا می‌یابد؛ بنابراین، بازنمایی تاریخ در کتاب‌های درسی نه تنها بازتابی از گذشته، بلکه سازوکاری برای شکل‌دهی به هویت‌های جمعی و حافظه تاریخی در زمان حال است.

مطالعه پیش‌رو با تکیه بر همین چهارچوب نظری، به بررسی گفتمان حاکم بر کتاب‌های تاریخ پنجم (چاپ ۱۳۴۱) و ششم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۵) می‌پردازد. هدف این پژوهش،

تحلیل نحوه بازنمایی ایران، ایرانی، حکومت‌ها، دشمنان و گذشته تاریخی در قالب استراتژی‌های گفتمانی همچون اسطوره‌سازی، مشروعیت‌سازی، طرد و تقلیل تاریخی است؛ استراتژی‌هایی که به روشنی در متون درسی آن دوره برجسته شده‌اند.

در شرایطی که پژوهش‌های پیشین بیشتر به تحلیل کتاب‌های تاریخ در مقاطع متوسطه و پس از انقلاب اختصاص یافته‌اند؛ تحلیل گفتمانی کتاب‌های تاریخ دوره ابتدایی در دوره محمدرضا شاه پهلوی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل کتاب‌های تاریخ در مقطع ابتدایی از آن رو اهمیت دارد که این کتاب‌ها نخستین منبع نظام‌مند مواجهه کودکان با گذشته و سازنده بنیان‌های شناخت تاریخی آنان به‌شمار می‌روند. روایت‌های تاریخی در این دوره نه صرفاً انتقال اطلاعات، بلکه ابزاری برای بازتولید ایدئولوژی، تقویت هویت ملی و شکل‌دهی به حافظه جمعی جامعه‌اند. از خلال گزینش رویدادها، قهرمانان و مفاهیم کلیدی در متون درسی، نظام آموزشی به‌گونه‌ای جهت‌دار تعیین می‌کند که چه بخش‌هایی از گذشته در حافظه نسل آینده ماندگار و چه بخش‌هایی به حاشیه رانده شوند؛ همچنین، روایت‌های عاطفی و تصویری این کتاب‌ها، از رهگذر برانگیختن احساس تعلق، افتخار یا همدلی، به درونی‌شدن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی یاری می‌رسانند؛ از این‌رو، بررسی محتوای کتاب‌های تاریخ ابتدایی می‌تواند نشان دهد که چگونه نظام آموزشی در فرآیند اجتماعی‌سازی، با بهره‌گیری از تاریخ به بازسازی هویت جمعی و تثبیت الگوهای مشروعیت سیاسی و فرهنگی می‌پردازد. این مقاله در پی پرکردن این خلأ پژوهشی و ارائه تحلیلی انتقادی از یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایدئولوژیک رژیم پهلوی است.

۲. چهارچوب نظری: تحلیل گفتمان تاریخی در رویکرد وُداک

نظریه تحلیل انتقادی گفتمان تاریخی^۱ که یکی از گرایش‌های کلیدی در تحلیل انتقادی گفتمان محسوب می‌شود، را روث وُداک و همکاران او توسعه داده‌اند. این رویکرد، گفتمان را امری فراتر از زبان‌ورزی صرف می‌داند و آن را درون بسترهای اجتماعی، تاریخی و نهادی تحلیل می‌کند. از منظر وُداک، زبان در تعامل با قدرت، ایدئولوژی و هویت قرار دارد و بنابراین هر تحلیل گفتمانی نیازمند توجه به زمینه تاریخی و اجتماعی تولید متن است (Wodak & Reisigl, 2001: 65).

در این رویکرد، تحلیل گفتمان در سه سطح زبانی، متنی و بینامتنی صورت می‌گیرد؛ نخست، در سطح زبانی، نحوه استفاده از واژگان، افعال، زمان‌ها، ضمایر و ساخت‌های نحوی بررسی می‌شود. در سطح متنی، ساختار روایی، استراتژی‌های انسجام‌بخش و چهارچوب‌بندی موضوعات مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ در نهایت، در سطح بینامتنی و بیناموضوعی، ارتباط متن با متون دیگر، حافظه جمعی و مفاهیم تاریخی کاویده می‌شود (Wodak & Meyer, 2009: 24-28). از نظر وِداک، گفتمان‌های تاریخی حامل حافظه‌اند؛ یعنی حافظه جمعی از طریق روایت‌های رسمی و آموزشی بازتولید می‌شود. در این میان، کتاب‌های درسی نقشی بی‌بدیل در تثبیت این حافظه دارند. حافظه‌ای که نه تنها گزینشی است، بلکه با اهداف ایدئولوژیک در جهت ساختن هویت ملی، مشروعیت‌بخشی به قدرت یا طرد و بی‌اعتبارسازی «دیگران» عمل می‌کند (Wodak, 2011: 66-69). یکی از کاربردهای اصلی این نظریه، تحلیل بازنمایی «خود» و «دیگری» در گفتمان‌های رسمی و آموزش محور است.

در تحلیل گفتمان تاریخی، پنج راهبرد اصلی مورد توجه قرار می‌گیرند:

۱. نام‌گذاری و شناسایی کنشگران اجتماعی: نحوه معرفی شخصیت‌ها و گروه‌ها (مثبت/منفی، فعال/منفعل).

۲. تبیین علی و توجیهی: نحوه نسبت‌دادن علت‌ها و پیامدها به رویدادها یا افراد خاص.

۳. استراتژی‌های واژگانی و سبکی: بهره‌گیری از واژگان ارزشی، افعال مثبت یا منفی و زبان احساسی.

۴. استدلال و چهارچوب‌بندی: شیوه ارائه روایت و گزینش رویدادهای تاریخی خاص برای القای معنا.

۵. حافظه‌سازی و فراموشی‌سازی: انتخاب گزینشی تاریخ برای به‌خاطر سپردن یا به فراموشی سپردن وقایع و شخصیت‌ها (Wodak & Reisigl, 2001: 4). با استفاده از این راهبردها، می‌توان نشان داد که چگونه متون درسی با حذف یا برجسته‌سازی رخداد‌های تاریخی خاص، با بزرگ‌نمایی عملکرد شاهان خاص، با تکرار کلیدواژه‌هایی چون «جوانمردی»، «شکوه»، «عدالت» و با حذف دیگر روایت‌های ممکن از تاریخ، به خلق گفتمان تاریخی خاصی می‌پردازند.

در پژوهش حاضر، چهارچوب نظری وداک به‌عنوان ابزاری برای تحلیل گفتمان کتاب‌های تاریخ پایه پنجم و ششم دوره محمدرضا شاه پهلوی مورد استفاده قرار گرفته است.

| بازنمایی تاریخ ایران در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ... | ۷

این چهارچوب امکان آن را فراهم می‌سازد که نشان دهیم چگونه ایدئولوژی پهلوی با بهره‌گیری از زبان آموزشی، تلاش کرده است تا گذشته‌ای خاص را «بازنمایی» کرده، حافظه‌ای رسمی از ایران «بسازد» و نوعی هویت ملی مدرن، شاه‌محور و ضدقاجاری را در ذهن دانش‌آموزان تثبیت کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر، یک پژوهش کیفی با رویکرد تحلیلی-انتقادی است که از نظریه تحلیل گفتمان تاریخی روث وُداک به‌منظور بررسی محتوای کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ششم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۵) در دوره محمدرضا شاه پهلوی بهره گرفته است. هدف از این تحلیل، آشکار ساختن سازوکارهای زبانی و گفتمانی تثبیت ایدئولوژی پهلوی و بازنمایی تاریخ در راستای اهداف سیاسی-فرهنگی این رژیم است.

منابع اصلی تحقیق عبارت‌اند از کتاب‌های درسی تاریخ پایه پنجم (چاپ ۱۳۴۱) و ششم (چاپ ۱۳۴۵) دوره ابتدایی که به‌صورت رسمی، وزارت فرهنگ وقت منتشر کرد و در نظام آموزشی سراسری ایران به‌کار گرفته شده‌اند. این کتاب‌ها، بعد از تغییرات در نظام آموزشی که مقاطع تحصیلی از دو مقطع ابتدایی و متوسطه به سه مقطع ابتدایی راهنمایی و متوسطه تقسیم شد به کتاب‌های رسمی دولت تبدیل شد (معتدلی، ۱۳۸۲: ۱۷) و به‌دلیل فراگیری عمومی، نقش اساسی در شکل‌دهی به حافظه جمعی دانش‌آموزان ایفا کرده‌اند.

واحد تحلیل در این پژوهش، بندها، پاراگراف‌ها و تصاویر منتخب از این دو کتاب است که بر اساس پنج راهبرد تحلیل گفتمان تاریخی وُداک (شناسایی کنشگران اجتماعی، استدلال، توجیه، سبک زبانی و حافظه‌سازی) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در روند تحلیل، ابتدا محتوای متون به‌صورت نظام‌مند فیش‌برداری و دسته‌بندی شد؛ سپس با استفاده از کدگذاری محوری، عناصر کلیدی گفتمان (نظیر تصویر شاهان، واژگان ایدئولوژیک، حذف‌های تاریخی، توجیه‌های ارزشی و دیگر موارد) استخراج و تحلیل شدند.

در مرحله بعد، با ارجاع به منابع تاریخی معتبر، اعتبارسنجی روایت‌های مطرح‌شده در کتاب‌ها و مقایسه آن‌ها با اسناد و داده‌های مستقل تاریخی صورت گرفت. هدف از این مرحله، سنجش میزان دقت، تحریف یا اغراق در روایت‌ها و استنتاج مؤلفه‌های ایدئولوژیک حاکم بر آن‌ها بود؛ درنهایت، یافته‌ها به‌صورت تفصیلی در دو بخش جداگانه - کتاب تاریخ پنجم و

کتاب تاریخ ششم - تحلیل و ارائه شده‌اند. تمرکز اصلی تحلیل بر چگونگی شکل‌دهی به مفهوم «ایران»، «ایرانی»، «دشمن»، «تجدد» و «مشروعیت سلطنت» در این متون است.

۴. پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، مطالعات گسترده‌ای درباره‌ی بازنمایی هویت ملی و فرهنگی در کتاب‌های درسی ایران صورت گرفته است. این پژوهش‌ها بیشتر بر تحلیل محتوای کمی و کیفی متون آموزشی در دوره‌های ابتدایی و متوسطه تمرکز داشته‌اند و سعی در بررسی چگونگی ترسیم مؤلفه‌های هویتی در نظام آموزشی رسمی داشته‌اند.

خسروانیان (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «ترسیم هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع متوسطه از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷»، با تمرکز بر محتوای تاریخ در اواخر دوره محمدرضا شاه پهلوی، نشان داد که بیشترین تأکید بر مفاهیم ایران‌گرایی، تمدن باستان و عناصر هویت فرهنگی پیش از اسلام بوده است. این مطالعه به صراحت تأکید می‌کند که تاریخ‌نگاری دوره پهلوی به بازتولید تصویری اسطوره‌ای و مشروعیت‌ساز از ایران باستان تمایل داشته است.

خدایار و فتحی (۱۳۸۷) در بررسی خود درباره‌ی هویت ملی در کتاب‌های درسی متوسطه نشان داده‌اند که برنامه‌ریزان آموزشی در شناسایی و بازنمایی شاخص‌های هویت فرهنگی عملکرد نسبتاً مناسبی داشته‌اند، اما در ترسیم مرزهای فرهنگی ایران، به‌ویژه در حوزه تمدن ایرانی، ضعف‌هایی وجود داشته است؛ همچنین، منصوری و فریدونی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تبلور هویت ملی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی»، نشان داده‌اند که تنها حدود یک درصد از محتوای این کتاب‌ها به مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی ایرانی اختصاص دارد. این یافته حاکی از غفلت ساختاری در آموزش مؤثر هویت فرهنگی و تاریخی به کودکان در آموزش ابتدایی است.

صالحی عمران و همکاران (۱۳۸۷) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی»، نشان داده‌اند که مؤلفه‌های هویت دینی بیشترین بسامد را داشته‌اند و در مقابل، مؤلفه‌های مربوط به هویت ملی و باستانی کم‌رنگ بوده‌اند. این پژوهش نیز بر عدم توازن در بازنمایی مؤلفه‌های هویتی در دوره‌های آموزشی مختلف تأکید کرده است.

| بازنمایی تاریخ ایران در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ... | ۹

فرهاد پروانه (۱۳۹۹) با استفاده از تحلیل محتوای کیفی-کمی کتب درسی این دوره را بررسی کرده و بر آن است که بازسازی هویت ایرانی بر پایه تاریخ ایران باستان بسیار پررنگ‌تر از هویت دینی بعد از ورود اسلام به ایران است.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها درباره هویت ملی در کتاب‌های درسی، با رویکرد تحلیل محتوای کمی یا توصیفی انجام شده‌اند و تمرکز آن‌ها عمدتاً بر دوره‌های آموزشی پس از انقلاب اسلامی بوده است؛ این مطالعات گرچه به مؤلفه‌های هویتی از جمله ایران‌گرایی، دین‌مداری یا تنوع قومی پرداخته‌اند، اما به‌طور خاص، ساختار گفتمانی کتاب‌های درسی تاریخ در دوره محمد رضا شاه پهلوی، به‌ویژه از منظر پیوند آن با ایدئولوژی سلطنت، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش حاضر درصدد است این خلأ را با به‌کارگیری چهارچوب نظری تحلیل گفتمان تاریخی روث و داک پر کند و نشان دهد که چگونه گفتمان آموزشی تاریخ در دوره محمد رضا شاه پهلوی از طریق روش‌هایی مانند اسطوره‌سازی، اخلاقی‌سازی، دیگری‌سازی و حذف حافظه، در خدمت مشروعیت‌بخشی به سلطنت پهلوی و بازتولید نوعی خاص از هویت ملی عمل کرده است.

۵. تحلیل گفتمانی کتاب تاریخ پنجم ابتدایی

۵-۱. بازنمایی شاهان باستان و مشروعیت‌سازی سلطنت

در کتاب تاریخ پنجم ابتدایی، بازنمایی چهره شاهان باستان، به‌ویژه سلسله‌های ماد، هخامنشی و ساسانی، نه تنها با رویکردی تمجیدگرایانه صورت گرفته، بلکه به‌وضوح در راستای مشروعیت‌بخشی به سلطنت پهلوی طراحی شده است. تحلیل متن، تصاویر و روایت‌های تاریخی موجود در کتاب نشان می‌دهد که گفتمان غالب، تأکید بر «خردمندی»، «عدالت‌محوری»، «جوانمردی» و «اقتدار تمدنی» شاهان ایران باستان دارد؛ مؤلفه‌هایی که مستقیم با تصویر مطلوب از سلطنت پهلوی هم‌راستا می‌شوند.

از منظر تحلیل گفتمان تاریخی، این بخش از کتاب با بهره‌گیری از راهبرد «نام‌گذاری کنشگران اجتماعی» به شخصیت‌پردازی چهره‌هایی چون دیاکو، کوروش، داریوش، اردشیر و انوشیروان می‌پردازد. این شخصیت‌ها به‌مثابه بنیان‌گذاران تمدن و حاملان ارزش‌های اخلاقی مطلوب تصویر شده‌اند؛ برای نمونه، در صفحه پانزده کتاب، دیاکو «مردی خردمند» معرفی

می‌شود که «پنجاه سال حکومت کرد و نظم و امنیت را برقرار ساخت» (کتاب پنجم، ۱۳۴۱: ۱۵). چنین گزاره‌ای، بدون ارائه هیچ روایت انتقادی یا قرینه تاریخی، به صورت یک حقیقت مسلم به دانش‌آموز عرضه می‌شود.

در مورد کوروش هخامنشی، کتاب با استفاده از استراتژی «زبان عاطفی و اخلاقی» تلاش می‌کند تصویری فراتر از یک پادشاه معمولی ارائه دهد. کوروش، «جوانمرد»، «بخشنده» و «حامی آزادی مذهبی» توصیف شده است و به صراحت از او به عنوان «منجی قوم یهود» یاد می‌شود. ارجاع به منشور کوروش و ذکر گزاره‌هایی از تورات، کتاب را در جایگاه راوی یک روایت قدسی از تاریخ قرار می‌دهد (همان، ۲۲) که مشروعیت قدرت را نه از طریق بررسی تاریخی، بلکه از طریق اسطوره‌سازی مذهبی تثبیت می‌کند.

این اسطوره‌سازی در مورد داریوش و انوشیروان نیز ادامه می‌یابد؛ داریوش به مثابه بنیان‌گذار نخستین دولت چندقومیتی، یکتاپرست، و پیام‌آور نظم و پیشرفت معرفی می‌شود. در صفحه ۲۷ کتاب آمده است: «برای نخستین بار، چندین ملت از نژادهای مختلف در یک دولت واحد زندگی می‌کردند که داریوش برای آنان آزادی و آسایش به ارمغان آورد» (همان، ۲۷). این بیان، هم از نظر تاریخی محل مناقشه است و هم در راستای اهداف ایدئولوژیک رژیم پهلوی قرار می‌گیرد که خود را وارث هخامنشیان می‌دانست.

در روایت کمبوجیه نیز، مثال بارز «تطهیر خشونت» از طریق سبک زبانی نرم و حذف زمینه‌های منفی دیده می‌شود؛ این روش از نظر وداک شکل خاصی از «اخلاقی‌سازی قدرت» است (Wodak, 2011: 129) که حافظه‌ای آرمانی از پادشاهی می‌سازد و کمبوجیه «مردی نیک‌رفتار» و خشونت‌های او در مصر، تنها «خشونت‌هایی در پایان عمر» تعبیر می‌شود (کتاب پنجم، ۱۳۴۱: ۲۴).

تصاویر کتاب نیز با بهره‌گیری از عناصر نمادین، در خدمت تثبیت این گفتمان قرار دارند؛ که در نظریه وداک با عنوان «سیاست دیداری قدرت» تحلیل می‌شود (Wodak & Reisigl, 2001, p. 111). در صفحات ۶۲ و ۶۳، بهرام گور در حال نبرد با شیرها تصویر شده است؛ صحنه‌ای نمادین برای القای «شجاعت، زورمندی و لیاقت سلطنت» که ناخودآگاه با الگوی رهبری مطلوب از نگاه حکومت پهلوی انطباق دارد. در کنار آن، استفاده گسترده از واژگانی نظیر «شاه

بزرگ»، «پادشاه دادگر»، «فرمانروای دانا»، «خردمند»، و «یگانه در جهان»، به تثبیت معنایی خاص از نهاد سلطنت منجر می‌شود (کتاب پنجم، ۱۳۴۱: ۶۲ و ۶۳).

در مجموع، این بخش از کتاب تاریخ پنجم با بهره‌گیری از استراتژی‌های گفتمان‌ساز، تاریخ باستان ایران را نه به‌عنوان یک عرصهٔ پرکشمکش و متکثر، بلکه به‌مثابه بستری برای تمجید از سلطنت، تطهیر عملکرد شاهان، و القای تداوم تاریخی اقتدار شاهنشاهی بازنمایی کرده است.

۲-۵. ملی‌گرایی افراطی و طرد «دیگری»

مفهوم ملت و دولت ملی بر پایه‌ای فراتر از قوم پایه‌گذاری شده است (آشوری، ۱۳۷۹: ۱۷۸) که در آن محدودهٔ مرزهای سرزمینی مشخص با تکیه بر زبان و فرهنگ و تاریخ مشترک پایهٔ یک دولت ملی را شکل می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۱: ۳۴۱). حکومت پهلوی در راستای ترویج حس ملی‌گرایی در کتاب تاریخ پنجم ابتدایی، با تأکید بر بازنمایی نوعی هویت ایرانی خالص، برتر و قهرمان‌محور در پی ایجاد یک گفتمان ملی‌گرایی مبتنی بر گرایش‌های ایدئولوژیک خود است. این گفتمان، با بهره‌گیری از راهبردهای واژگانی، روایی و تصویری، به شکل‌گیری نوعی «ناسیونالیسم افراطی» یاری می‌رساند که در آن، ایرانیان به‌عنوان بنیان‌گذاران تمدن بشری و دارندگان خرد، عدالت، جوانمردی و انسانیت معرفی می‌شوند؛ در مقابل، اقوام و تمدن‌های غیرایرانی، یا نادیده گرفته می‌شوند یا در نقش «دیگری منفی» ظاهر می‌شوند.

در چهارچوب تحلیل گفتمان تاریخی، این نوع بازنمایی با استراتژی «ساخت خود و دیگری»^۱ هم‌راستا است. وداک نشان می‌دهد که در متون آموزشی، اغلب با برجسته‌سازی صفات مثبت برای «ما» (خود ملی) و صفات منفی یا حذف «دیگران» (دشمنان، بیگانگان یا غیرخودی‌ها)، نوعی دوقطبی ایدئولوژیک خلق می‌شود که حافظه جمعی را هدایت می‌کند (Wodak & Reisigl, 2001:89-92; Wodak, 2011: 66-67).

در ادامه، استفادهٔ مکرر از صفات اخلاقی برای «ایرانیان» و برجسب‌های منفی برای دشمنان تاریخی یا حذف آن‌ها، مصداق روشن «حافظه‌سازی گزینشی» است؛ استراتژی که به گفتهٔ وُداک، حافظهٔ رسمی را از طریق «انتخاب گزینشی تاریخ» و «حذف تعمدی دیگری» بازتولید می‌کند (Wodak & Reisigl, 2001, pp. 108-112)؛ برای نمونه ایرانیان با صفاتی چون «دلیر»، «جوانمرد»، «دانشمند»، «مهربان»، «عادل» و «تمدن‌ساز» توصیف شده‌اند؛ در بخشی از کتاب

1. Self/Other Construction

درسی آمده است: «ایرانیان نخستین ملتی بودند که تمدن را در جهان پراکنده و با دشمنان خویش با عدل و مهربانی رفتار می‌کردند» (کتاب پنجم، ۱۳۴۱: ۲۷). چنین گزاره‌هایی، فاقد ارجاع به شواهد تاریخی مشخص، نقش اغراق‌آمیز در شکل‌گیری خودبزرگ‌بینی تمدنی در ذهن کودکان دارند؛ در مقابل، دیگر اقوام مانند یونانیان، رومیان یا آشوریان، بیشتر با صفاتی چون «ستمگر»، «خونریز» یا «وحشی» معرفی شده‌اند، یا به‌کلی از متن غایب‌اند؛ برای مثال، در روایت شکست سپاه ایران از اسکندر مقدونی، علت شکست نه ضعف نظامی ایران، بلکه «حیله‌گری دشمن و اتحاد ناعادلانه آن‌ها» معرفی می‌شود (کتاب پنجم، ۱۳۴۱: ۳۵).

در روایت تاریخ ساسانی، اغراق در توصیف رفاه، عدالت، پیشرفت و علم‌دوستی به حدی است که مخاطب به‌سختی می‌تواند تصویری واقع‌گرایانه از آن دوره به‌دست آورد؛ برای نمونه، در صفحه ۶۴ کتاب، خسرو انوشیروان «پادشاهی دادگر» خوانده می‌شود که «بیچارگی مردم را درک کرد و کشور را در رفاه و شکوه قرار داد» (کتاب پنجم، ۱۳۴۱: ۶۸). هیچ اشاره‌ای به تضادهای طبقاتی، شورش‌های دهقانی، یا بحران‌های اجتماعی و مذهبی پایان دوره ساسانیان دیده نمی‌شود.

از منظر وداک، یکی از استراتژی‌های گفتمان قدرت، «حافظه‌سازی گزینشی» است. در اینجا نیز با حذف روایت‌های منفی از تاریخ ایران، به‌ویژه در دوره‌های باستان و تأکید بر قهرمان‌سازی از چهره‌هایی چون کوروش، داریوش و انوشیروان نوعی حافظه‌ایدئولوژیک خلق شده است که ایران را به‌مثابه سرزمین عدالت و تمدن مطلق بازنمایی می‌کند؛ حافظه‌ای که برای مشروعیت‌بخشی به سلطنت معاصر نیز کاربرد دارد.

تصاویر نیز نقش مهمی در شکل‌گیری این گفتمان دارند و با بهره‌گیری از دوگانه‌های نمادین (نور/تاریکی، فعال/منفعل، خردمند/وحشی)، به تثبیت دیدگاه قدرت کمک می‌کنند؛ الگویی که وداک آن را بخشی از سیاست نمادین قدرت می‌داند (Wodak & Meyer, 2009, pp. 30-31). در موارد متعددی، شاهان ایرانی در هیئتی نورانی، با لباس‌های اشرافی در حال اجرای عدالت تصویر شده‌اند؛ در صورتی که دشمنان، چهره‌هایی خشن، تیره، بی‌هویت و منفعل دارند. چنین تصویرگری، در چهارچوب نظریه وداک، بخشی از «سیاست دیداری قدرت» محسوب می‌شود.

-
1. Selective Memory Construction
 2. Visual Politics of Power

| بازنمایی تاریخ ایران در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ... | ۱۳

در مجموع، کتاب تاریخ پنجم با بهره‌گیری از استراتژی‌های گفتمانی ساخت هویت، تلاش کرده است تا نوعی «ایرانی برتر» و «دیگری‌طردشده» را در ذهن دانش‌آموز تثبیت کند؛ گفتمانی که همسو با ایدئولوژی ناسیونالیسم شاهنشاهی عصر پهلوی است و به خدمت بازتولید مشروعیت سیاسی آن درآمده است (آشوری، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

۳-۵. اسطوره‌سازی از پادشاهی باستان در خدمت مشروعیت پهلوی

کتاب تاریخ پنجم ابتدایی با پایان حکومت ساسانیان، به روایت خود از ایران باستان خاتمه می‌دهد. این پایان‌بندی نه صرفاً نتیجه تقسیم‌بندی زمانی کتاب، بلکه با انتخاب‌هایی آگاهانه در زبان، روایت و تصویر، بستر گفتمانی ویژه‌ای خلق می‌کند که سلطنت را به‌منابه نهادی دیرینه، باشکوه و مشروع در ذهن دانش‌آموز تثبیت می‌کند. از منظر تحلیل گفتمان تاریخی، این نوع بازنمایی مصداق روشنی از «اسطوره‌سازی هویت سیاسی» و «خلق حافظه جمعی ایدئولوژیک» است؛ اصطلاحاتی که وُداک در تحلیل ساخت‌های تاریخی گفتمان‌های ملی‌گرا به‌کار می‌برد (Wodak & Reisigl, 2001, pp. 104-108; Wodak, 2011, pp. 66-67).

در این کتاب، پادشاهانی چون کوروش، داریوش، انوشیروان و یزدگرد با استفاده از راهبردهایی همچون نام‌گذاری ارزشی، شخصیت‌پردازی اخلاقی و روایت تک‌صدایی از قدرت تصویر می‌شوند. آنان نه تنها فرمانروایانی مقتدر، که حامیان عدالت، خرد، پیشرفت و انسان‌دوستی معرفی شده‌اند؛ برای نمونه، کوروش «بخشنده و جوانمرد»، داریوش «مدیر و قانون‌گذار» و انوشیروان «پادشاه دادگر» خوانده می‌شوند؛ بیانی که در غیاب هرگونه روایت انتقادی یا تنوع تاریخی، زمینه‌ساز خلق یک «تبارنامه افتخارآمیز» از سلطنت ایرانی است.

تصاویر کتاب نیز همین روایت را تقویت می‌کنند. پادشاهان باستانی با هیئتی نجیب، در حال اجرای عدالت یا رهبری ارتش‌ها ترسیم شده‌اند؛ در مقابل دشمنانی تاریک‌چهره، منفعل و شکست‌خورده. چنین زبان دیداری، در چهارچوب تحلیل گفتمان، جزئی از «سیاست نمادین حافظه» به‌شمار می‌رود. استفاده از روایت‌های تک‌صدایی، شخصیت‌پردازی مثبت بدون ذکر تناقضات تاریخی، و تصاویر سلطنت‌گرایانه، سازوکارهایی هستند که در نظریه وُداک، در زمره استراتژی‌های «تثبیت هویت مشروع» و «اخلاقی‌سازی حافظه» طبقه‌بندی می‌شوند (Wodak, 2011, pp. 128-130). در پایان کتاب، با برجسته‌سازی فروپاشی ساسانیان بر اثر تفرقه داخلی، فساد درباری و فقدان روح ایرانی، زمینه‌ای ضمنی برای تداوم‌طلبی قدرت پادشاهی فراهم

می‌شود؛ هرچند به صورت مستقیم به آینده اشاره‌ای نمی‌شود، اما دانش‌آموز با احساسی از فقدان شکوه و نظم باستان، وارد کتاب بعدی خواهد شد؛ جایی که سلطنت معاصر بازمی‌گردد تا این‌جا را پر کند. از دیدگاه وُداک، این روش «موقعیت‌سازی بینامتنی»^۱ نام دارد؛ یعنی آماده‌سازی گفتمان بعدی برای تکمیل روایت ناتمام پیشین؛ روایتی ناتمام با پایانی پر احساس، که در متن دیگر (کتاب تاریخ ششم) به وسیلهٔ نهاد قدرت معاصر تکمیل و نجات داده می‌شود (Wodak & Meyer, 2009: 35)؛ در نتیجه، کتاب تاریخ پنجم بدون هیچ اشاره‌ای به دوره‌های پس از ساسانی، با ساخت گفتمانی منسجم از عظمت سلطنت باستان، حافظه‌ای رسمی و آرمانی از ایران می‌سازد که آماده است در متن‌های بعدی با نهاد سلطنت پهلوی پیوند یابد و آن را استمرار مشروعیت تاریخی جلوه دهد.

۶. تحلیل گفتمانی کتاب تاریخ ششم ابتدایی

۶-۱. سلاطین با بازنمایی ملی‌گرایانه؛ تداوم گفتمان مشروعیت سلطنت

در کتاب تاریخ ششم ابتدایی، افزون بر بازنمایی اسطوره‌های ایران باستان در کتاب پنجم، مقاطعی از تاریخ ایران پس از اسلام نیز با نگاهی کاملاً جهت‌دار به سلاطین با بازنمایی ملی‌گرایانه و باستان‌گرا تدوین شده‌اند. این نوع بازنمایی با بهره‌گیری از ابزارهای زبانی، روایی و نمادین، در راستای گفتمان حافظه‌ساز پهلوی عمل می‌کند. از منظر نظریهٔ تحلیل گفتمان تاریخی روث وُداک، چنین متونی با استراتژی‌هایی چون اسطوره‌سازی، احساسی‌سازی، دیگرسازی و حذف ایدئولوژیک حافظه طراحی می‌شوند (Wodak, 2011, pp. 44-90; Wodak & Reisigl, 2001, pp. 66-68)؛ چهره‌هایی چون طاهر بن حسین، یعقوب لیث صفاری، شاه اسماعیل صفوی، شاه عباس، نادرشاه افشار و کریم‌خان زند، با تصویری حماسی، اخلاقی و ملی‌گرایانه به دانش‌آموز معرفی می‌شوند (کتاب ششم، ۱۳۴۵). این شخصیت‌ها نه تنها باز نمایان هویت تاریخی ایران، بلکه حلقه‌های منطقی و هویتی هستند که سلطنت پهلوی را به تاریخ پیش از آن پیوند می‌دهند؛ الگویی از سلطنت «مشروع، قهرمانانه و وطن‌دوست».

طاهر بن حسین، بنیان‌گذار سلسلهٔ طاهریان، با جمله‌ای احساسی روایت می‌شود: «در مردن هم دلیری لازم است». این جمله، بدون تحلیل زمینهٔ سیاسی یا مناقشهٔ خلافت، به شکل‌گیری حافظه‌ای اسطوره‌ای از او منجر می‌شود (همان، ۱۷ و ۱۸)، استفاده از روایت‌های مرگ قهرمانانه،

بازنمایی تاریخ ایران در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ... | ۱۵

نمونه‌ای از «احساسی‌سازی حافظه» است؛ راهبردی که به گفته وُداک، در بازتولید گفتمان‌های مشروعیت‌ساز کاربرد دارد (Wodak, 2011, p. 66).

یعقوب لیث صفاری نیز در نقش «مرد خودساخته» و «قهرمان ملی» بازنمایی شده است: رویگری ساده‌زیست که با شجاعت، خلافت را به چالش می‌کشد و در صورت شکست، به نان جو و پیاز قناعت می‌کند (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۱۹ و ۲۰). این بازنمایی از استراتژی «الگوسازی از حاشیه» استفاده می‌کند؛ خلق شخصیتی از طبقات پایین که با لیاقت، نماد شکوفایی ایرانی می‌شود (Wodak & Reisigl, 2001, pp. 89-91). این روایت در برابر گفتمان عرب‌محور خلافت قرار می‌گیرد و از منظر گفتمانی، هویتی مستقل و غیرعرب را ترویج می‌کند.

شاه اسماعیل صفوی، با وجود نقش نظامی و ایدئولوژیکش در تاریخ، در کتاب به‌عنوان پادشاهی صلح‌طلب تصویر می‌شود. روایت جنگ مرو با ازبکان بدون ذکر انگیزه‌های مذهبی و سیاسی، صرفاً به‌دلیل «تعصب ازبکان» معرفی می‌شود؛ همچنین، نقل‌قول‌هایی از شیبیک‌خان ازبک و پاسخ‌ندادن شاه اسماعیل، تصویری عقلانی و نجیب از او به‌دست می‌دهد (همان، ۵۳ و ۵۴). این روش، نمونه‌ای از «سکوت ایدئولوژیک» یا «حذف زمینه» است؛ راهبردی که وُداک آن را یکی از عناصر تحلیل گفتمان تاریخی می‌داند (Wodak, 2011, p. 128).

شاه عباس صفوی نیز با عباراتی چون «مهربانی با اقلیت‌ها»، «حمایت از بازرگانان خارجی» و «ایجاد آسایش عمومی» توصیف می‌شود. کاربرد واژه‌های چون «مهربانی» برای پادشاهی مقتدر، مصداق روشنی از «اخلاقی‌سازی قدرت» در حافظه رسمی است (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۵۶-۵۸). این روش در خدمت ساخت چهره‌ای مردم‌دوست، کارآمد و هم‌سو با گفتمان مدرنیته دولتی است (Wodak & Reisigl, 2001, pp. 104-105).

نادرشاه افشار، با وجود خشونت گسترده در حمله به هند و قتل‌عام هزاران شهروند، در کتاب درسی به‌عنوان پادشاهی وطن‌دوست و مقاوم بازنمایی می‌شود. جمله‌هایی مانند «شاه هند پاسخ نداد، ناچار حمله شد» نمونه بارز «تطهیر خشونت» در روایت‌های آموزشی است (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۶۶-۶۸). حذف اطلاعاتی چون کشتار ده‌ها هزار نفر در دهلی، یا غارت گسترده منابع هند، از مصداق «پاک‌سازی گفتمانی خشونت» در روایت تاریخ رسمی است (Wodak, 2011, pp. 129-130).

کریم‌خان زند نیز تنها چهره‌ایست که تصویر او با منابع تاریخی هم‌خوانی دارد. او به‌عنوان «شاه درستکار، آبادگر و عدالت‌محور» توصیف می‌شود، اما حتی این بازنمایی نیز

بدون توجه به ساختار سیاسی حکومت زندیه و نسبت آن با نهاد سلطنت، در راستای تقویت همان الگوی سلطنت ایدئال قرار می‌گیرد: پادشاهی مردم‌دوست، مدبر و حافظ نظم (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۶۸ و ۶۹)

در مجموع، این شش شخصیت تاریخی، در گفتمان آموزشی کتاب تاریخ ششم، نه به‌عنوان بازیگران متنوع تاریخ ایران، بلکه به‌مثابه قهرمانانی هماهنگ با گفتمان سلطنت مشروع بازنمایی شده‌اند. این روایت با استفاده از استراتژی‌های «اسطوره‌سازی»، «اخلاقی‌سازی»، «احساسی‌سازی» و «حذف حافظه منفی»، حافظه‌ای یک‌پارچه از سلطنت تولید می‌کند که زمینه مشروعیت فرهنگی و تاریخی سلطنت پهلوی را فراهم می‌آورد.

۲-۶. بازنمایی تاریخ پس از اسلام و مشروعیت‌سازی برای ملی‌گرایی پهلوی

در کتاب تاریخ ششم ابتدایی عصر محمدرضا شاه پهلوی، گفتمان حاکم بر روایت تاریخ ایران پس از اسلام، تلفیقی از ملی‌گرایی ایرانی، شیعه‌گرایی سلطنت‌محور و سیاست حافظه‌سازی ایدئولوژیک است؛ برخلاف روایت باستان‌گرایی کتاب پنجم، رویدادهای تاریخ اسلامی ایران نیز به‌گونه‌ای بازنمایی شده‌اند که در نهایت، هویت ایرانی مستقل، عقلانی، دیندار و وطن‌دوست را تثبیت کنند؛ هویتی که با گفتمان ناسیونالیسم شاهنشاهی همسو است و زمینه مشروعیت فرهنگی سلطنت پهلوی را فراهم می‌آورد.

از منظر نظریه تحلیل گفتمان تاریخی، این نوع بازنمایی از طریق استراتژی‌هایی چون «انتخاب‌گرزینی تاریخ»، «دیگری‌سازی مذهبی» و «ساخت اسطوره ملی» صورت می‌پذیرد (Wodak & Reisigl, 2001: 44-48, 90-96). در این گفتمان، چهره‌هایی نظیر طاهربن‌حسین، یعقوب لیث صفاری، شاه اسماعیل صفوی و شاه عباس به‌عنوان نمادهای هویت ملی و مقاومت در برابر سلطه بیگانه یا تعصب مذهبی معرفی شده‌اند؛ برای نمونه، درباره یعقوب لیث آمده است: «روبرگر ساده‌زیستی بود که به‌جای تسلیم شدن در برابر خلیفه، با شجاعت قیام کرد و گفت اگر پیروز شوم، خلافت را از میان برمی‌دارم و اگر شکست خوردم، به شغل ساده‌ام بازمی‌گردم» (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۲۲). این روایت، با بهره‌گیری از زبان احساسی و درون‌مایه قهرمان‌سازی، او را چهره‌ای ملی و ضدعرب معرفی می‌کند که علیه سلطه خلافت اسلامی می‌جنگد؛ چنین تصویری، مصداق روشنی از «بازسازی هویت در تقابل با غیر» است (Wodak, 2011: 45)؛ همچنین، شاه اسماعیل صفوی و شاه عباس نیز با استفاده از استراتژی‌های واژگانی و روایی خاص، نه‌فقط به‌عنوان بنیان‌گذاران دولت شیعی،

| بازنمایی تاریخ ایران در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ... | ۱۷

بلکه نمادهای «تسامح مذهبی» و «پیشرفت اقتصادی» معرفی می‌شوند؛ مثلاً درباره شاه عباس آمده است: «با مهربانی با اقلیت‌های مذهبی برخورد می‌کرد و بازرگانان خارجی را حمایت می‌نمود. در زمان او، ایران به کشوری آباد و ثروتمند تبدیل شد» (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۴۳). این نوع روایت، ضمن تقویت وجهه ملی‌گرایانه، نوعی تصویرسازی از سیاست‌مداری مدرن و توسعه‌گرا را نیز به‌نمایش می‌گذارد؛ تصویری که آماده پیوند خوردن با گفتمان پهلوی است (Wodak, 2011: 111). دوره‌های انحطاط، فساد یا وابستگی بیشتر با بیگانگان پیوند خورده‌اند؛ مثلاً خلفای عباسی، ازبکان و مغولان به‌عنوان نمادهای انحراف دینی، بی‌عدالتی و دشمنی با ایران معرفی می‌شوند. این رویکرد با راهبرد «دیگری‌سازی» و «اخلاقی‌سازی تاریخ» هم‌راستا است؛ در نتیجه، هویت ایرانی مطلوب در کتاب، نه تنها یک ملیت، بلکه حامل فضیلت، عدالت و تجدد است (Wodak & Reisigl, 2001: 93).

جایگاه اسلام و روحانیت شیعه تنها در جایی برجسته می‌شود که در خدمت تقویت هویت ملی ایرانی باشد؛ مثلاً ولایت‌عهدی امام رضا (ع) توسط مأمون، نه بر مبنای ملاحظات خلافت (خضری، ۱۳۷۹: ۱۸۵)، بلکه ناشی از «محبوبیت خاندان علی (ع) نزد ایرانیان» تفسیر می‌شود؛ این روایت، گرچه بخشی از واقعیت را منعکس می‌کند، اما با حذف زمینه‌های سیاسی، مصداق بارز «تبیین ایدئولوژیک تاریخ» است (Wodak, 2011: 118).

۳-۶. سیاه‌نمایی قاجار و قهرمان‌سازی از حکومت پهلوی

کتاب تاریخ ششم ابتدایی در بازنمایی دوره قاجار، از راهبردی بهره می‌گیرد که می‌توان آن را «دیگری‌سازی داخلی» نامید؛ به این معنا که به‌جای دشمن خارجی، سلسله‌ای از درون تاریخ ملی به‌عنوان منبع شر، ضعف و عقب‌ماندگی معرفی می‌شود. این دیگرسازی در خدمت آماده‌سازی ذهنی مخاطب برای پذیرش سلطنت پهلوی به‌عنوان نجات‌دهنده عمل می‌کند.

نحوه بازنمایی قاجار در کتاب، ترکیبی از واژگان منفی، روایت‌های تحقیرآمیز، حذف موفقیت‌ها و برجسته‌سازی شکست‌ها است؛ برای مثال، آقامحمدخان قاجار نه با ایجاد ثبات سیاسی یا تشکیل حکومتی فراگیر، بلکه تنها با عناوینی چون «خون‌ریز»، «ستم‌پیشه»، «بی‌رحم» و «قاتل لطفعلی خان زند» معرفی می‌شود (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۶۹). این نوع زبان‌پردازی ارزشی، با بهره‌گیری از دستگاه بلاغی منفی، شخصیت‌های تاریخی را نه بر اساس نقش سیاسی یا اجتماعی، بلکه بر مبنای داوری اخلاقی و احساسات هدایت‌شده بازنمایی می‌کند.

قراردادهای گلستان و ترکمانچای نیز نه در بستر مناسبات قدرت جهانی یا ضعف ساختاری کشور، بلکه تنها «نتیجه خیانت و بی‌کفایتی شاهان قاجار» معرفی می‌شوند. در این روایت، هیچ اشاره‌ای به چالش‌های بین‌المللی، جنگ‌های طولانی یا فشارهای اقتصادی وجود ندارد. این تقلیل‌گرایی تاریخی، به حذف عوامل ساختاری و برجسته‌سازی تقصیر شخصی می‌انجامد؛ راهبردی که از منظر وُداک، ابزار تثبیت حافظه منفی علیه یک بازیگر خاص در تاریخ است (Reisigl & Wodak, 2001: 91).

نقش امیرکبیر نیز در این میان، برخلاف اهمیت تاریخی‌اش به‌عنوان اصلاح‌طلبی ساختاری، به نقشی حماسی و احساسی تقلیل یافته است؛ او قربانی است، نه کنش‌گر. روایت مرگ او با تأکید بر «حسد درباریان»، «کینه‌توزی زنان حرمسرا» و «بی‌عرضگی ناصرالدین‌شاه»، مخاطب را به همدلی عاطفی دعوت می‌کند، اما نقشی برای فهم ساختار قدرت، تلاش‌های اصلاحی یا زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه سیاسی قائل نیست (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۷۶)؛ در مقابل، قهرمان‌سازی از خاندان پهلوی با ادبیاتی آرمانی و مملو از صفات مثبت انجام می‌شود. رضا شاه با القابی همچون «نجات‌دهنده کشور»، «آبادگر»، «قانون‌گذار» و «سازنده ایران نوین» معرفی می‌شود؛ جملاتی مانند «او نظم را به کشور بازگرداند»، «کارخانه‌ها ساخت»، «راه‌آهن سراسری تأسیس کرد» و «آموزش عمومی را گسترش داد» بدون ارجاع به محدودیت‌ها یا نقدهای تاریخی، تصویری یک‌جانبه و حماسی از او ارائه می‌دهد (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۸۳).

محمد رضا پهلوی نیز با واژگانی چون «مدبر»، «دلسوز»، «پیشرو» و با ارجاع به «انقلاب سفید شاه و مردم»، نه تنها ادامه‌دهنده راه پدر، بلکه آغازگر «تمدن بزرگ» معرفی می‌شود. این تصویر، نه تنها خالی از نقد است، بلکه به شکلی نظام‌مند با روایت شکست قاجار پیوند می‌خورد تا مخاطب، سلطنت پهلوی را تنها گزینه مطلوب در تاریخ معاصر بداند و بپذیرد (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۸۵).

در پایان این فصل، پرسش‌هایی مانند «رضا شاه چه خدماتی انجام داد؟» یا «چرا مردم از سلطنت پهلوی حمایت کردند؟» نه تنها جهت‌دار بلکه بسته طراحی شده‌اند و به تقویت حافظه ایدئولوژیک کمک می‌کنند (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۸۵)؛ چیزی که در گفتمان وداک از آن با عنوان «نهادینه‌سازی دانش جهت‌دار» یاد می‌شود (Wodak, 2011: 105).

۶-۷. تحلیل گفتمانی حافظه تاریخی قاجار در کتاب ششم

| بازنمایی تاریخ ایران در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع پنجم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۱) و ... | ۱۹

کتاب تاریخ ششم تلاش می‌کند حافظه جمعی نسل جدید را از دوره قاجار به گونه‌ای بسازد که سلطنت پهلوی در تقابل با آن، طبیعی، ضروری و موجه جلوه کند. این نوع حافظه‌سازی، با تکنیک‌هایی چون انتخاب گزینشی رویدادها، برجسته‌سازی عاطفی و حذف روایت‌های جایگزین صورت می‌گیرد.

نخستین روش، تقلیل تاریخ قاجار به بی‌عرضگی سیاسی است. دوره‌ای که از لحاظ تاریخی با چالش‌های داخلی و خارجی، اصلاحات، رشد مطبوعات، جنبش مشروطه و تحولات اجتماعی شناخته می‌شود، در کتاب درسی تنها به شکست‌های نظامی، فساد دربار و وابستگی به روس و انگلیس تقلیل یافته است. این نوع انتخاب، حافظه‌ای ناقص و کنترل‌شده از گذشته می‌سازد؛ حافظه‌ای که تنها در خدمت مشروعیت‌بخشی به قدرت بعدی است.

دوم، حذف حافظه مربوط به مشروطه است. جنبشی که نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران است، در کتاب تاریخ ششم ابتدایی به حاشیه رانده شده است و وقایعی که زمینه‌ساز این نهضت مهم در تاریخ ایران شده است را حذف کرده است (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۸۱). این حذف، دقیقاً همان چیزی است که وُداک آن را «سکوت ایدئولوژیک» می‌نامد؛ یعنی نپرداختن به وقایعی که نظم قدرت موجود را با چالش مواجه می‌کنند (Wodak, 2011: 118).

سوم، «شخصی‌سازی و احساسی‌سازی قهرمان‌ها» است. امیرکبیر، حتی در بازنمایی مثبت خود، به چهره‌ای تراژیک و تنها بدل می‌شود؛ نه نماینده توان نخبگان یا اراده جامعه برای اصلاح. او نماد ناکامی ملت و در نتیجه، نشانه‌ای از ضرورت ظهور منجی از بیرون ساختار قاجار است (کتاب ششم، ۱۳۴۵: ۷۶)؛ این سه راهبرد، در کنار قهرمان‌سازی کلاسیک از پهلوی‌ها، ساختار گفتمانی یک روایت نجات را کامل می‌کنند: گذشته سقوط کرده، حال نجات یافته؛ در نتیجه، ذهن دانش‌آموز نه تنها دچار همدلی با شاهان پهلوی می‌شود، بلکه از طریق طرد حافظه قاجار، آماده پذیرش سلطنت به‌مثابه استمرار منطقی تاریخ ایران خواهد شد.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب تحلیل گفتمان تاریخی روث وُداک، به بررسی انتقادی گفتمان حاکم بر کتاب‌های درسی تاریخ پنجم (چاپ ۱۳۴۱) و ششم ابتدایی (چاپ ۱۳۴۵) پرداخت. یافته‌های مقاله نشان داد که این کتاب‌ها، نه صرفاً ابزارهایی برای آموزش تاریخ، بلکه رسانه‌هایی ایدئولوژیک برای تولید، بازسازی و تثبیت حافظه‌ای جمعی و رسمی

درباره گذشته ایران بوده‌اند. حافظه‌ای که از طریق گزینش محتوا، واژگان ارزشی، حذف تاریخی و اسطوره‌سازی، در خدمت مشروعیت‌بخشی به سلطنت پهلوی عمل می‌کند.

در کتاب تاریخ پنجم، بازنمایی سلسله‌های باستانی ایران، از ماد تا ساسانیان، با تصویری تحسین‌برانگیز، اسطوره‌ای و کاملاً یک‌جانبه انجام شده است. سلطنت ایرانی، نه تنها نهاد اصلی سازمان سیاسی، بلکه تجسم خرد، عدالت و پیشرفت معرفی می‌شود. این روایت، با تأکید بر پادشاهانی چون کوروش، داریوش و انوشیروان و با حذف کامل طبقات فرودست، خشونت‌های حکومتی و بحران‌های تاریخی، تصویری آرمانی از گذشته ارائه می‌دهد. پایان کتاب با ساسانیان، بدون عبور به دوره‌های بعد، حافظه‌ای ناتمام اما پرشکوه می‌سازد؛ حافظه‌ای که در کتاب ششم با سلطنت پهلوی تکمیل می‌شود. این سازوکار، از منظر وُداک، مصداق «پیوند بینامتنی استراتژیک» و «انتقال مشروعیت در حافظه» است.

در کتاب تاریخ ششم، این گفتمان به گونه‌ای دیگر ادامه یافته است. نخست، رویدادهای تاریخ ایران پس از اسلام با تمرکز بر چهره‌هایی چون یعقوب لیث، شاه اسماعیل و شاه عباس، در خدمت خلق هویتی ایرانی-اسلامی، مقاوم و توسعه‌گرا به کار رفته‌اند. این بخش از کتاب، با استراتژی‌های «اخلاقی‌سازی تاریخ» و «بازنمایی قهرمانان مثبت»، زمینه فرهنگی و مذهبی لازم برای پیوند سلطنت پهلوی با ارزش‌های ملی و دینی را مهیا می‌کند.

در مرحله بعد، گفتمان تاریخی کتاب به شدت تقابلی می‌شود: قاجار در مقام «دیگری داخلی» با واژگان تحقیرآمیز، روایات منفی و حذف دستاوردها بازنمایی می‌شود. دوره‌ای که در تاریخ معاصر ایران با مشروطه، اصلاحات و مدرنیزاسیون تدریجی همراه بوده، در کتاب به نمادی از فساد، بی‌کفایتی و ذلت تقلیل یافته است. حتی چهره‌های شاخصی مانند امیرکبیر نیز نه به‌مثابه کنشگر سیاسی، بلکه به‌عنوان قربانی ناامیدکننده ظاهر می‌شوند. این نوع روایت، به گفته وُداک، نوعی «تثبیت حافظه منفی در خدمت گفتمان مشروعیت‌بخش» است.

در نقطه اوج این روایت، خاندان پهلوی با زبانی حماسی، بدون نقد یا اشاره به وابستگی‌های بین‌المللی یا سرکوب‌های داخلی، در نقش نجات‌دهندگان ملت معرفی می‌شوند. رضا شاه با عنوان «آبادگر ایران نوین» و محمدرضا شاه با شعار «انقلاب سفید شاه و مردم»، نه تنها بازسازی‌کننده شکوه گذشته، بلکه بنیان‌گذاران تمدن آینده معرفی می‌شوند. این ساختار، نوعی «روایت نجات» خلق می‌کند: قاجار = سقوط، پهلوی = نجات.

از مجموع تحلیل‌ها می‌توان نتیجه گرفت که کتاب‌های درسی تاریخ در دوره محمدرضا شاه

پهلوی، با استفاده از تکنیک‌هایی چون دیگرسازی، اسطوره‌سازی، حذف حافظه و بینامتنیت هدفمند، در جهت تثبیت گفتمان سلطنت پهلوی طراحی شده‌اند. این گفتمان، با بازسازی حافظه جمعی خاصی از گذشته، دانش‌آموز را در مسیری هدایت می‌کرد که سلطنت پهلوی را نه یک انتخاب سیاسی، بلکه ضرورت تاریخی و ملی بیندارد.

فهرست منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۷)، *ما و مدرنیته*، تهران: موسسه فرهنگی صراط
- آشوری، داریوش (۱۳۷۹)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- پروانه، فرهاد (۱۳۹۹)، «تحلیل کتاب‌های درسی تاریخ مقطع متوسطه نظام آموزشی ایران در دوره پهلوی دوم از منظر بررسی و مقایسه مؤلفه‌های هویت ملی با هویت دینی»، *فصلنامه آموزش پژوهی*، دوره دوم، شماره ۲۳، صص ۲۹-۴۶.
- خدایار ابراهیم و فتحی، اعظم (۱۳۸۷)، «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: دوره متوسطه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۲۱، شماره ۲، ۲۷-۵۲.
- خسروانیان، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «ترسیم هویت ملی (ایرانی) در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۵»، استاد راهنما دکتر عیسی ابراهیم زاده، تهران: بنیاد ایران شناسی و دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- خضری، سید احمد رضا (۱۳۷۹)، *تشیع در تاریخ: پژوهشی در مبانی اعتقادی، تاریخ سیاسی و حکومت های شیعه از آغاز تا پایان دوره صفوی*، تهران: دفتر نشر معارف.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۶)، *فلسفه آموزش و پرورش*، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- صالحی عمران، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷)، «بررسی میزان توجه مؤلفه‌های هویت در کتاب‌های درسی دوره آموزش راهنمایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۳۵، صص ۳-۲۶.
- کتاب درسی تاریخ، پایه پنجم، ۱۳۴۱.
- کتاب درسی تاریخ، پایه ششم، ۱۳۴۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مجیدی، موسی (۱۳۶۴)، «تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۴، صص ۶۵-۹۵.
- معتمدی، اسفندیار (۱۳۸۲)، «کتاب‌های درسی در ایران از تاسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی»، *مجله تاریخ معاصر*، شماره ۲۷، صص ۱۱۱-۱۳۸.
- منصوری، علی و فریدونی، آزیتا (۱۳۸۸)، «تبلور هویت در کتب درسی، بررسی محتوایی کتاب درسی دوره ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۳۸، صص ۲۷-۴۶.
- Wodak, R., & Reisigl, M. (2001), *Discourse and Discrimination: Rhetorics of Racism and Antisemitism*, Routledge.
- Wodak, R. & Meyer, M. (2009), *Methods of Critical Discourse Analysis*, (2nd ed.) SAGE.
- Wodak, R. (2011.) *The Discourse of Politics in Action: Politics as Usual*, Palgrave Macmillan.

Transliteration

- Ashoori Dariush (1998) *We and Modernity*, Tehran: sarāt Cultural Institute
- Ashoori Dariush (1999) *Political Encyclopedia*, Tehran: Morvārīd Publications.
- Giddens Anthony (1997) *Sociology*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publications.
- History textbook, fifth grade, 1962.
- History textbook, sixth grade, 1966.
- Khezri, Seyed Ahmad Reza (2000). *Shiism in History: A Research on Beliefs, Political History, and Shiite Governments from the Beginning to the End of the Safavid Period*; Tehran: Ma'āref Publishing House.
- Khodayar Ebrahim and Fathi, Azam (2008) National identity in Education textbooks(High school), *Journal of National Studies*; 21, Vol. 1, No. 2, pp. 52-27.
- Khosravian, Hamid Reza; (2009) *Depicting National (Iranian) Identity in Secondary History Textbooks from 1965 to 2006*; Supervisor: Dr. Issa Ebrahimzadeh, Tehran: Iran Studies Foundation and Shahid Beheshti University, Master's Thesis.
- Majidi Musa (1985) A brief history of textbooks and their evolution in Iran, *Education Quarterly*, No. 4, pp. 65-95.
- Mansouri, Ali and Fereydouni, Azita (1988) The crystallization of identity in textbooks, a content study of the elementary school textbook, *National Studies Quarterly*; 29, p. 92, no. 3.
- Motamedi Esfandiar (1983) Textbooks in Iran from the establishment of the Dar al-Fonūn to the Islamic Revolution, *Contemporary History Journal*, No. 27.
- Parvaneh Farhad (2010) An Analysis of Middle School History Textbooks from the Perspective of the Second Pahlavi Period from the Viewpoint of Comparison of the Components of National Identity with Religious, *Journal of Education Studies*, Volume 2, No. 23, pp. 29-46.
- Salehi Omran, Ebrahim et al. (2008) "A study of Nation Identity-Faramation in Iranian Guidance School Textbooks "; *National Studies Quarterly*, 21 vol., 1 vol., 2 pp.
- Shoari Nejad, Ali Akbar (2007) *Philosophy of Education*; 8th Edition; Tehran: Amīr Kabīr.

The Representation of Iranian History in Fifth-Grade (1962 Edition) and Sixth-Grade (1966 Edition) History Textbooks during the Mohammad Reza Shah Pahlavi Era: A Critical Analysis Based on Ruth Wodak's Theory

Extended Abstract

Introduction and Objectives: History education in the educational system of any country plays a fundamental role in shaping national identity, collective memory, and internalizing political ideologies. During the Mohammad Reza Shah Pahlavi period (1948–1978), the Iranian educational system, especially through textbooks, was a tool for representing the legitimacy of the monarchy, perpetuating archaic nationalism, and promoting the discourse of state modernity. From this perspective, a critical analysis of the discourse of primary school history textbooks can reveal how the official narrative of the past was constructed and reproduced and show how historical concepts served the politics of memory and the consolidation of power. The present study aims to critically analyze the discourse of primary school history textbooks in the Mohammad Reza Shah Pahlavi era. The main goal of the research is to examine how Iranian history was represented in these texts and to uncover discursive mechanisms of legitimization, exclusion, and identity formation within the framework of the official discourse of the Pahlavi state. This study also seeks to show how history education during this period became a tool for creating a desirable collective memory of the political system.

Method: The present study was conducted with a qualitative approach based on Ruth Wodak's 'Discourse-Historical Approach' theory. The research data included fifth and sixth grade history books from different years of the Mohammad Reza Shah Pahlavi period, which were examined as the main discursive texts. The data were analyzed at four levels: lexical, narrative, intertextual, and ideological, to identify the way power, identity, and the historical past are represented.

Findings: The results showed that elementary school history books during this period served to reproduce the official discourse of the monarchy. Several discursive strategies were used, including mythologizing ancient kings and linking them to the legitimacy of the Pahlavi dynasty; denigrating and eliminating the Qajar era as a symbol of national decadence; heroizing Reza Shah and Mohammad Reza Shah as Iran's saviors; highlighting the concepts of Iranian civilization, national authority, and state modernity; and using value terms, one-sided narratives, and emotional imagery to instill a sense of pride and obedience to the central power. These patterns have led to the production of a kind of directional historical memory in which Iran's past is represented linearly and continuously from ancient glory to Pahlavi authority.

Conclusion: Based on Wodak's theoretical framework, the analysis shows that history education in the Mohammad Reza Shah Pahlavi era was not simply an educational tool, but was part of the state's political-cultural project to reproduce its desired national identity. By eliminating alternative voices and emphasizing specific narratives of the past, history textbooks helped to consolidate the discourse of the monarchy, legitimize the state's authority, and shape the government's desired collective memory. By critically rereading these texts, the present study attempted to provide a basis for a deeper understanding of the politics of memory, the ideological education of history, and its consequences in the formation of the historical attitude of future generations.

Keywords: Critical Historical Discourse Analysis, History Textbook, Pahlavi Ideology, Qajar Antagonism, Iranian Nationalism, Political Legitimacy.

